

## بررسی آرایه‌های بدیعی در مطلع غزلیات سنایی

عذرا نصیری افرابی\*

دکتر نیره‌السادات همزه‌عراقی\*\*

### چکیده

آرایه‌های ادبی یکی از شاخه‌های ادبیات و زیورهای آراینده کلام هستند که کلام عادی را به زبان هنری نزدیک‌تر ساخته و تأثیر آن بر مخاطب را چند برابر می‌نماید. این دانش ظرافت‌های لفظی و معنوی سخن می‌پردازد و هنر سخنوری شاعر یا نویسنده را بهتر نشان می‌دهد. یکی از این شاعران توانمند سنایی غزنوی است. از آن جایی که غزل بهترین عرصه برای هنرنمایی شاعر است، پژوهش حاضر بر آن است به بررسی آرایه‌های ادبی در مطلع غزلیات سنایی، ضمن ارزیابی بسامد هر آرایه پردازد. این پژوهش که به شیوه کتابخانه‌ای و بر مبنای توصیف و تحلیل انجام شده، این نتیجه را در برداشته که صنایع و آرایه‌های ادبی در مطلع غزلیات سنایی فراوان و به شیوه‌ای هنرمندانه به کار رفته است که از آن میان سنایی به آرایه‌های لفظی بیش از آرایه‌های معنوی علاقه نشان داده است. هم‌چنین از بین صنایع لفظی، واج‌آرایی بیشترین کاربرد را داشته و از میان صناعات بدیعی معنوی نیز مراعات‌النظیر و تضاد از بیشترین اهمیت برخوردارند.

### واژه‌های کلیدی

آرایه‌های ادبی، صنایع لفظی، آرایه‌های معنوی، مطلع غزلیات، سنایی.

---

\* دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، اراک، ایران.

\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان، تاکستان، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۳۱

آرایه‌های بدیعی یکی از عناصر سازنده متن ادبی به ویژه شعر می‌باشد و همواره در ادب فارسی مورد توجه بوده‌اند. از این رو سخنوران پارسی از دیرباز شعر و کلام خود را به زیور صنایع بدیعی آراسته‌اند تا سخن خود را موافق طبع مخاطبان بگویند. هم‌چنین تحقیق در کاربرد این صنایع در دواوین شعرای پارسی‌گو در یافتن تأثیر سبک در اشعارشان اهمیت بسزایی دارد. از همین رو ادیبان و سخن‌سرایان از دیرباز تاکنون کوشیده‌اند تا سخن خود را موافق طبع مخاطبان بگویند. آن‌ها از آرایه‌های بدیعی کمک گرفته‌اند؛ بنا بر این بررسی و تحلیل این صنایع در شعر شاعران بزرگ پارسی اهمیت بسیار دارد.

استفاده از صنایع بدیعی همواره تحت تأثیر سبک دوره‌ای که در آن می‌زیسته‌اند بوده است. به همین دلیل در این پژوهش کوشش بر این بوده است که دیوان اشعار مسعود سعد سلمان که از برجسته‌ترین شاعران اواخر سبک خراسانی است، از منظر صنایع لفظی بدیع مورد بررسی و تعمق قرار گیرد تا به این ترتیب نقش موثر صنایع لفظی بدیع در آرایش و مستحسن شدن شعر مسعود سعد و نفوذ بر مخاطب آشکار گردد و تأثیر سبک عمومی در میزان استفاده از صنایع مختلف لفظی مشخص شود.

غزل، چکیده و خلاصه اندیشه و احساس شاعر است. شعر فارسی عمدتاً با غزل‌های ناب و زیبای آن شناخته می‌شود و شاعران بلند پایه با غزلیات نابشان شناخته می‌شوند. یکی از این شاعران سنایی غزنوی است. او با استفاده از آرایه‌ها و صنایع ادبی، به خلق مضامین تازه و ابداع ترکیبات بدیع دست یافته است، هدف از این پژوهش بررسی آرایه‌ها و صنایع ادبی در مطلع غزلیات سنایی و پاسخ به پرسش‌های زیر است:

- آرایه‌های لفظی به کار رفته در مطلع غزل‌های سنایی کدامند؟

- کدام یک از آرایه‌های معنوی در مطلع غزل‌های سنایی بیشتر به کار رفته است؟

- بسامد کدام آرایه بیشتر است؟

## ۲- پیشینه تحقیق

در زمینه آرایه‌ها و صنایع ادبی تحقیقات گوناگونی انجام شده و تعداد آن بسیار است؛ هم‌چون: «آرایه‌های ادبی در گات‌ها»، به قلم کتایون نمیرانیان در مجله آموزش مهارت‌های زبان دانشگاه شیراز؛ «آرایه‌های بدیعی در صحیفه سجادیه» نوشته صدیقه مظفری و سید محمدرضا ابن الرسول در فصلنامه کاوش‌نامه؛ «پژوهشی در کاربرد آرایه‌های ادبی در طنز معاصر فارسی و مقایسه اجمالی آنها در طنز انگلیسی» به قلم محمد غضنفری در مجله جستارهای ادبی؛ «زیبایی‌شناسی صور خیال و آرایه‌های ادبی در ترجمه نهج البلاغه (مطالعه موردی ترجمه سید جعفر شهیدی)» نوشته مسعود باوان پوری و همکاران در پژوهش‌نامه نقد ادب عربی؛ «بررسی سبک‌شناسانه حماسه‌های دینی در ادب پارسی» نوشته محبوبه شمشیرگرها در دو فصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث؛ اما نگارندگان در این زمینه آرایه‌های ادبی در غزلیات سنایی با پژوهشی مواجه نشدند.

## ۳- تعریف بدیع

بدیع در لغت، به معنی «نو پدید آمده» و «نو پدید آورنده» و در اصطلاح ادبی، فنی است که در آن از صنعت‌های کلام و زیبایی‌های الفاظ نظم و نثر بحث می‌شود و آن را پس از معانی و بیان، سومین فن از فنون بلاغت دانسته‌اند (دانش‌نامه زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴: ج ۱/۷۴۰). سکاکی عمده علم بلاغت را طبقه‌بندی و ابواب آن را مرتب نمود. «وضع اصطلاح معانی و بیان و تقسیم علم بلاغت به این دو فن، از ابتکارات سکاکی است.» (مهدوی دامغانی، ۱۳۹۳: مدخل بلاغت) که از سوی دانشمندان علم بلاغت پذیرفته شد. این دو فن عبارتند از:

- علم معانی: در ساختار و ترتیب کلام و در آن از ترکیبات جمله و نقش کلمات در جمله‌ها بحث نمود.

- علم بیان: در این فن تشبیه و مجاز را با همه انواع آن مثل مجاز لغوی و مجاز عقلی و کنایه بررسی کرده است.

- نوع سوم: او این نوع را بدیع نامید، بلکه این نوع را محسنات نام نهاد و آن را به دو بخش معنوی و لفظی تقسیم کرد: در بخش اول مباحث مطابقه، مقابله، مشاکله، مراعات نظیر، مزاجه، لفّ و نشر، جمع، تفریق، تقسیم، جمع و تفریق، جمع و تقسیم، جمع و تفریق و تقسیم، ایهام، تأکید، مدح شبیه به ذم، توجیه، سوق المعلوم مساق غیره، اعتراض، التفات و تقلیل اللفظ و لاتقلیله وارد شد و در بخش دوم عنوان‌های تجنیس، اشتقاق، ردّ العجز الی الصدر، قلب، اسجاع (سجع) و ترصیع جای گرفت (عتیق، ۱۹۷۴م: ۲۰۰-۲۰۴). او این تقسیم‌بندی را در بخش سوم کتاب مشهور خود مفتاح العلوم انجام داده است.

بدیع از اقسام علوم ادبی و جزء علوم یا فنون بلاغت است که با توجّه به سیر تاریخی دو معنی عام و خاص یافته است:

کاربرد قدیمی و عام اصطلاح بدیع قبل از تفکیک مباحث علوم بلاغی و مربوط به دوره درهم آمیختگی سه دانش معانی، بیان و بدیع؛ چرا که بعدها بخشی از آن که به کار بیان یک مطلب به شیوه‌های خیال‌انگیز گوناگون می‌رفت یعنی تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه ... از بدیع جدا شد و در علمی به نام بیان جای گرفت و بخشی دیگر که در سخن گفتن به مقتضای حال برای دخالت در نفوس و عقول از آن‌ها استفاده می‌شد، در علمی به نام معانی مورد بررسی قرار گرفت و نام بدیع منحصر شد به بقیه فوت و فن‌های شاعری (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۱۳). ابن معتر نخستین کسی است که با تألیف «البدیع» به سال ۲۷۴ ه. ق اصطلاح بدیع را در مفهوم کلی آن یعنی بلاغت و محسنات کلام به کار گرفت و ضمن آن هفده مورد بدیعی را که غایت آن، تحصیل توان است بر تحسین سخن یا به کار بردن محسنات، و نتیجه آن، آراستن سخن است به چنین تحسین و آرایش و سود آن، افزودن نشاط شنونده است و پذیرفتن خرد؛ و مبادی آن، گشت و تأمل است در خطابه‌ها و نامه‌ها و رساله‌ها و شعرهایی که صنایع بدیع در آن‌ها به کار رفته است و این آرایش بدیعی بی‌رعایت مطابقت کلام با مقتضای حال (علم معانی) و بی‌رعایت رسایی سخن و وضوح دلالت (علم بیان) ارزشی نخواهد داشت (حکیمی، ۱۳۵۸: ۹۴). باید گفت هر شاعر از به کار بردن آرایه‌های بدیعی، اهداف و اغراض هنری زیر را دنبال می‌کند:

- ۱- آهنگین ساختن کلام
- ۲- ایجاد تداعی معانی
- ۳- غرابت بخشیدن به کلام و حیرت آفرینی
- ۴- خوش آیند جلوه دادن و مؤثر ساختن کلام
- ۵- تبدیل کلام عادی به زبان ادبی (ایران‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۰۷-۱۰۸).

#### ۴- پیشینه طبقه‌بندی صنایع

سابقه تفکیک علوم سه‌گانه بلاغی به قرن پنجم می‌رسد که عبدالقاهر جرجانی در کتاب اسرارالبلاغه و دلائل‌الاعجاز، مباحث علم بیان و معانی را به طور مستقل بررسی کرده است. نخستین بار مباحث علم بدیع در کتاب مفتاح العلوم سکاکی از مباحث معانی و بیان جدا شده و صنایع بدیعی به دو دسته لفظی و معنوی تقسیم شده‌اند. این شیوه در کتب بعدی یعنی المصباح ابن مالک و تلخیص و ایضاح خطیب قزوینی ادامه می‌یابد و سرانجام در کتب مختصر و مطول تفتازانی به کمال می‌رسد. از این رو می‌توان قرن هفتم و هشتم را قرون تفکیک علوم بلاغی و طبقه‌بندی صنایع بدیعی در زبان عربی دانست. مراحل تألیف کتب بلاغی فارسی از این منظر عبارتند از:

۱- مرحله اول که از زمان تألیف ترجمان‌البلاغه رادویانی در قرن پنجم آغاز می‌شود و تا زمان تألیف کتاب «بدایع‌الصنایع» ادامه می‌یابد؛ مرحله درهم آمیختگی مباحث بلاغی و بی‌توجهی به طبقه‌بندی صنایع بدیعی است. امهات کتب بلاغی فارسی در این دوره تألیف شده‌اند.

۲- مرحله دوم که از زمان تألیف کتاب بدایع‌الصنایع در سال ۵۸۹۸ ق آغاز می‌شود و تا عصر قاجار و زمان تألیف کتاب مدارج‌البلاغه رضاقلی‌خان هدایت ادامه می‌یابد؛ مرحله نفوذ و تأثیر بی‌چون و چرای کتب عربی، به ویژه مفتاح‌العلوم سکاکی و تلخیص و ایضاح خطیب و مختصر و مطول تفتازانی در کتب بلاغی فارسی است.

## ۱۰۸ بررسی آرایه‌های بدیعی در مطلع غزلیات سنایی

۳- مرحله سوم از زمان تألیف «مدارج البلاغه» آغاز می‌شود و تا عصر حاضر ادامه می‌یابد. این مرحله خود - با پای‌بندی به تقسیم‌بندی صنایع به دو بخش لفظی و معنوی - به دو دوره تقسیم می‌شود.

دسته اول: کتبی که به تنظیم الفبایی پرداختند، عبارتند از: مدارج البلاغه اثر رضا قلی خان هدایت و ابداع البدایع اثر حاج محمد حسین شمس العلمای گرکانی. دسته دوم: کتبی که با توجه به بسامد استعمال صنایع در نظم و نثر، مشابهت‌های صنایع از جهت لفظی و معنایی و سرانجام تفکیک صنایعی که در حیطه دانش‌های دیگری چون معانی و بیان و عروض و نقد شعر و... مطرح می‌شوند، به دسته بندی صنایع پرداختند. کتبی چون نقدالشعر از نعمت الله ذکائی بیضائی و نگاهی تازه به بدیع از سیروس شمیس از این دسته‌اند.

۴- مرحله چهارم، مرحله‌ای است که کتب بدیعی با توجه به دشواری تعریف صنایع لفظی و معنوی و همچنین توجه به جنبه زیبایی‌شناسانه صنایع، تقسیم‌بندی شده باشند. کتبی چون هنر سخن‌آرایی فن بدیع از سید محمد راستگو و کتاب بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی از تقی وحیدیان کامیار از این دسته‌اند (کاردرگر، ۱۳۸۶: ۱۴۷-۱۵۱).

## ۵- بحث و تحلیل

در این پژوهش آرایه‌های بدیعی به کار رفته در مطلع غزل‌های سنایی بررسی می‌شود.

### ۱- آرایه‌های لفظی

#### ۱-۱- جناس

جناس از جمله فنون مهم ادبی است که اغلب در صدر آرایه‌های لفظی و گاه در صدر کتب بدیعی قرار دارد. در باب اهمیت آن، همین بس که برخی آن را در پیوندی درونی با ایهام و استخدام دانسته‌اند (ر.ک. تجلیل، ۱۳۷۰: ۶۷). جناس کارکردهای مختلفی دارد و می‌تواند ابزار

## بررسی آرایه‌های بدیعی در مطلع غزلیات سنایی ❏ ۱۰۹

ایجاد فنون دیگری نیز باشد. «اساس اسلوب حکیم بر جناس تام است» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۴۲). به نظر میرجلال‌الدین کزازی جناس از آرایه‌هایی است که در سخن آراسته و هنرورانه، به ویژه در ادواری از ادب کلاسیک، کاربردی گسترده یافته است. این آرایه با خنپای آوایی سخن را سودمند و کارساز می‌سازد. همگونی جناس در این است که بتوان میان دو واژه به گونه‌ای ویژه از لحاظ ظاهر و ساختار آوایی همانندی و پیوندی نزدیک یافت. دو واژه همگون را دو پایه جناس می‌نامیم. تجانس در واج‌های جناس پایه نام‌گذاری آن است. به دیگر سخن، هرگاه واج‌های واژگان چنان به هم نزدیک باشند که هم‌جنس به نظر برسند، آن را جناس می‌گوییم. اساس جناس همگونی و هماهنگی هرچه بیشتر واج‌ها و ناهمگونی معنای واژه‌هاست (کزازی، ۱۳۷۳: ۴۸) که اقسام مختلفی دارند و سنایی در دیوان خود انواع آن را به کار برده است. توجه بسیار سنایی به انواع جناس و استفاده بجا و هنری از آن، روح تازه‌ای به کلام وی بخشیده است. او ۴۰۳ بار این آرایه را به کار برده است. انواع جناس در مطلع غزلیات سنایی عبارتند از:

– جناس تام: آن است که «شاعر دو کلمه متفق اللفظ مختلف المعنی به کار دارد.» (رازی، ۱۳۶۰: ۳۳۸). این نوع جناس با ۹ نمونه از انواع کم کاربرد جناس در غزلیات سنایی است.

هم‌چون زاد در نمونه زیر:

ای همه انصاف جویان بنده بی‌داد تو      زاد جان راد مردان حسن مادر زاد تو

(۳۳۰) ۱

– جناس زائد: آن است که یکی از دو کلمه متجانس حرفی بیش از دیگری داشته باشد. جلال‌الدین کزازی این نوع جناس را به سه دسته تقسیم نموده است. «جناس زائد، نیز به جناس تام می‌ماند، جز آن‌که یکی از دو پایه، حرفی افزون دارد از پایه دیگری، بسته به این‌که این افزونه در آغاز یا میانه یا پایان واژه آورده شده باشد، سه گونه جناس داریم، اگر افزونه در آغاز یکی از دو پایه باشد، این جناس مزید است؛ اگر افزونه در میانه یکی از دو پایه باشد، این

---

۱- اعداد داخل پرانتز، شماره‌های غزل است.

## ۱۱۰ بررسی آرایه‌های بدیعی در مطلع غزلیات سنایی

جناس زائد است؛ ولی اگر این افزونه، در پایان یکی از دو پایه باشد، این جناس مذیل است. (کزازی، ۱۳۷۳: ۲). این جناس سبب زیبایی صورت شعر می‌شود و موسیقی دلنشینی به شعر می‌بخشد و لذت بیشتری برای خواننده ایجاد می‌کند. بسامد این سه جناس ۱۲۷ مورد است.

مثال برای جناس مزید:

تا بگرد روی آن شیرین پسر گردهم می چون قلم گرد سر کویش به سر گردهم می

(۳۹۵)

در و اندر (۲۰۰)؛ زین و گزین (۳۲۴)،

مثال برای جناس زائد:

گفتی که نخواهیم ترا گربت چینی ظنم نچنان بود که با ما تو چینی

(۴۰۶)

جان و جهان (۴۶)، برد و بد و بود و بد (۱۲۷).

مثال برای جناس مذیل:

چو آمد روی بر رویم که باشم من که من باشم چه خوش وقتی بود با من که من بی‌خویشتن باشم

(۲۲۶)

هم‌چنین مست و مستی (۱۸۱).

- جناس مضارع و لاحق: اگر دو پایه جناس در حرف اول یا وسط اختلاف داشته باشند و آن حروف قریب‌المخرج باشند، جناس مضارع و در غیر این صورت جناس لاحق است (همایی، ۱۳۶۷: ۵۶). نمونه جناس لاحق: دام و جام (۲۰۰)؛ بستم و دستم (۲۱۴)، چین و دین (۱۵۶).

نمونه جناس مضارع: ما و با (۲۴)؛ پند و بند (۳۱۸).

جناس مضارع (۱۳۵ بار) و لاحق (۱۶ بار) از عوامل مؤثر در موسیقی شعر سنایی محسوب

می‌شود؛ زیرا با ایجاد موازنه بین دو پایه جناس زیبایی بیشتری به شعر او می‌بخشد.

- جناس مطرف: که دو کلمه متجانس فقط در حرکت حروف (هیأت و شکل، مصوت کوتاه) متفاوت است و ضرورت است که دو واژه در تعداد نقطه، برابر باشد (تفتازانی، ۱۴۰۷:

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۳۹ ❖ بهار ۱۳۹۸



۳۵۱). مانند کام و کار (۶۴)؛ جان و جام (۲۰۰)؛ ربی و ربک (۴۰۳).

این جناس نسبت به دیگر جناس‌ها از موسیقایی کمتری برخوردار است و با ۱۶ نمونه از جناس‌های کم کاربرد غزلیات سنایی به شمار می‌آید.

- جناس اشتقاق: آوردن واژه‌هایی است در سخن که حروف آن‌ها متجانس و از یک ریشه مشتق شده باشند. (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۳: ۳۰). این نوع جناس مخاطب را در یافتن دو پایه جناس به اندیشه و تکاپو وا می‌دارد و لذت بیشتری در او ایجاد می‌کند. در مطلع غزلیات سنایی ۶۷ مورد جناس اشتقاق یافت شد، هم‌چون: می‌کنی و مکن (۳۱۵)؛ عشق و عاشقی (۱۳۰)؛ دل و دلبر (۲۱۱)؛ عشق و عاشقان و عاشقی (۲۳۳).

- جناس شبه اشتقاق: جناس شبه اشتقاق آن است که همه یا اکثر حروف یک واژه در واژه دیگر یافت شود؛ اما هر دو به یک ریشه باز نگردند. این جناس را «مقارب» نیز نامیده‌اند (تجلیل، ۱۳۶۷: ۳۷). مانند طره و طرار (۱۵۶)؛ حالت و حلال (۱۱۹)؛ فتنه و فتوی (۷۱) که بسامد آن ۸ مورد است.

- جناس خط: جناس مصحف (جناس خطی، جناس خط، جناس نقطه، صنعت مضارعه و مشاکله) جناس دو کلمه است که در شکل حروف متفق است و در نقطه، متفاوت (گرکانی، ۱۳۷۷: ۲۱۳). زاد و راد (۳۳۰)؛ سراب و شراب (۱۵۵)؛ بار و یار (۱۳۴) نمونه‌هایی از این جناسند که ۱۲ مورد آن دیده شده است.

- جناس محرف: ترک و ترک (۳۰۵)؛ مهر و مهر (۳۵۲)؛ گرد و گرد (۹۹). این جناس با ۴ مورد کاربرد بسیار کم استفاده شده است.

- جناس مقلوب: جناس مقلوب که آن را با نام‌های «باشگونه» (واژگونه)، «عکس»، و «تصریف» نیز نامیده‌اند (مدنی، ۱۳۰۴: ۵۵) آن است که دو واژه همانند از نظر حروف و تعداد آن‌ها یکسان باشند؛ اما از لحاظ ترتیب حروف برعکس و مخالف باشند، و خود بر دو نوع است: جناس قلب کل و جناس قلب بعض (تفتازانی، ۱۴۰۷: ۲۰۴). مانند آمد و آدم که (قلب بعض) است. این آرایه تنها یک بار دیده شده است.

## ۱۱۲ بررسی آرایه‌های بدیعی در مطلع غزلیات سنایی

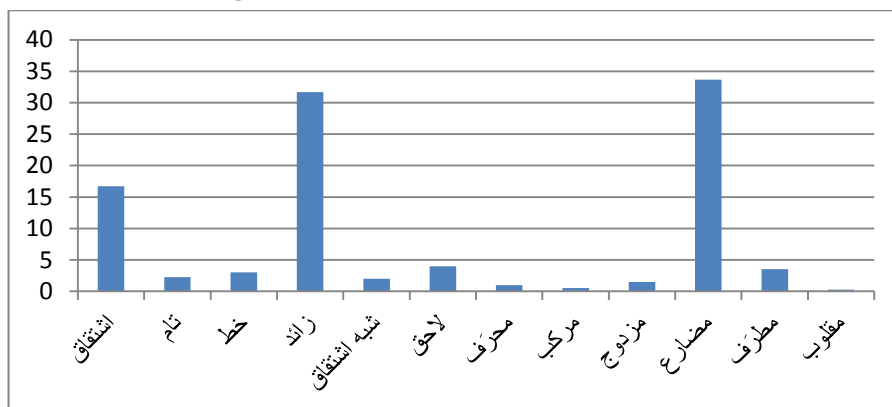
- جناس مرکب: «جناس مرکب از خلاقانه‌ترین انواع جناس است؛ زیرا در آن تنها حضور ذهن و تسلط شاعر بر دایره مفردات زبان کافی نیست، بلکه ذهن خلاق شاعر با کنار هم قرار دادن مفردات زبان گروه‌هایی از واژه‌ها و تکواژها را می‌سازد که با هم جناس تام و یا غیرتام دارند. تعداد جناس‌های مرکب در کل غزل سبک عراقی نسبت به دیگر انواع جناس چندان زیاد نیست» (تاج‌بخش و سعیدی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۰۲). در این تحقیق نیز تنها ۲ مورد جناس مرکب دیده شد: مرجان و مرجان (۱۳۲)؛ یاسمین بر و یاسمین بر (۱۵۳).

- جناس مزدوج: سنایی این جناس را به تعداد انگشت‌شمار یعنی ۶ بار به کار برده است و چونی و چرای (۳۶۹)؛ زیر و زبر (۳۱۵)؛ رنجی و عنایی (۳۶۸) نمونه‌های آن به شمار می‌رود. به عقیده عبدالقاهر جرجانی آنچه بر زیبایی جناس می‌افزاید با کمک معانی فراهم می‌شود و لفظ به تنهایی در زیبایی جناس نقش تعیین‌کننده ندارد و مستحق آن نیست. بدین جهت است که زیاده‌روی و میل شدید در آوردن جناس ناپسند است، چرا که معانی همیشه به سویی که جناس آن را می‌کشاند نمی‌روند، و الفاظ خدمت‌گزاران معانی‌اند و فرمان‌بردار حکم آن‌ها می‌باشند و این معانی‌اند که زمام الفاظ را به کف گرفته و سزاوار فرمان‌روایی بر الفاظند. پس کسی که لفظ را بر معنی چیره سازد، مانند کسی است که اشیاء را از جهت طبیعی خود منحرف کرده و این چیزی است که همیشه مورد نکوهش است (جرجانی، ۱۳۶۱: ۸).

جدول (۱) انواع جناس در مطلع غزلیات سنایی

ردیف	انواع جناس	بسامد	درصد	ردیف	انواع جناس	بسامد	درصد
۱	اشتقاق	۶۷	۱۶/۷	۸	مرکب	۲	۰/۵
۲	تام	۹	۲/۲۴	۹	مزدوج	۶	۱/۵
۳	خط	۱۲	۳	۱۰	مضارع	۱۳۵	۳۳/۶۶
۴	زائد	۱۲۷	۳۱/۶۷	۱۱	مطرف	۱۴	۳/۵
۵	شبه اشتقاق	۸	۲	۱۲	مقلوب	۱	۰/۲۶
۶	لاحق	۱۶	۴	۱۳	جمع کل	۴۰۱	۰/۱۰۰
۷	محرّف	۴	۱				

نمودار (۱) انواع جناس در مطلع غزلیات سنایی



### ۱۵-۲- تکرار

روش در بدیع لفظی است که بر موسیقی کلام می‌افزاید و به دو شیوه در مطلع غزلیات سنایی به کار رفته است: واج‌آرایی و تکرار واژه.

۱- واج‌آرایی: یعنی تکرار یک صامت یا مصوت در چندین کلمه جمله (شمیسا، ۱۳۸۳: ۷۹). و از اصلی‌ترین و پر بسامدترین آرایه‌های لفظی به کار رفته در مطلع غزل‌های سنایی است. شاعر به این صنعت ادبی علاقه خاصی نشان داده و موجب شده تا تأثیر و زیبایی این صنعت ادبی چند برابر شود. این آرایه تنها در مطلع غزل‌های سنایی ۱۲۳۸ بار تکرار شده است.

واج آرایی مصوت بلند «آ» در بیت زیر:

ماهرویا در جهان آوازه آواز تست کارهای عاشقان ناساخته از ساز تست

(۲۸)

### ۲- تکرار واژه

ای صنم در دلبری هم دست و هم دستان‌تر است بر دل و جان پادشاهی هم دل و هم جان‌تر است

(۳۷)

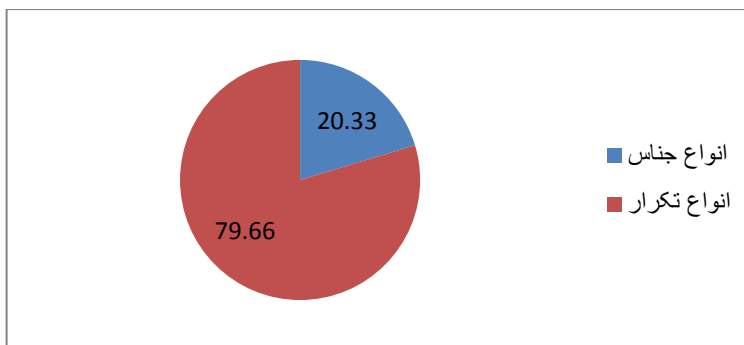
## ۱۱۴ بررسی آرایه‌های بدیعی در مطلع غزلیات سنایی

که کلمات هم، دل و جان تکرار شده است. هم‌چنین است دو کلمه زهی بنامیزد (۱۰۳) و نیز تکرار واژه با (۹۷) که ۳۳۳ مورد در مطلع غزل‌ها دیده شده است.

جدول (۲) انواع آرایه‌های لفظی در مطلع غزلیات سنایی

ردیف	انواع آرایه‌های لفظی	بسامد	درصد
۱	انواع جناس	۴۰۱	۲۰/۳۳
۲	انواع تکرار	۱۵۷۱	۷۹/۶۶
۳	جمع کل	۱۹۷۲	۱۰۰

نمودار (۲) انواع آرایه‌های لفظی در مطلع غزلیات سنایی



## ۲- آرایه‌های معنوی

در این سطح کلمات به لحاظ موسیقی معنوی، یعنی تناسب و ارتباطات معنایی گوناگون، مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ و به طور کلی زبان ادبی اثر و انحراف‌های هنری و خلاقیت ادبی در زبان، مورد توجه قرار می‌گیرد. «آرایه درونی یا صناعت معنوی آرایه‌ای است که، از معنا در واژه برآید و بر آن استوار شده باشد؛ به گونه‌ای که اگر ریخت واژه دیگرگون شود و معنا بر جای بماند، آرایه از میان نرود. (کزازی، ۱۳۷۳: ۹۶). آرایه‌های دیده شده در مطلع غزل‌های سنایی به شرح زیر است:

آوردن کلمات ضدّ هم را گویند و «در لغت به معنی دو چیز را در مقابل یکدیگر انداختن و در اصطلاح آن است که کلمات ضد یکدیگر بیاورند.» (همایی، ۱۳۶۷: ۲۷۳) که از آرایه‌های پر بسامد در دیوان مکین دهلوی است، تا آنجا که در مطلع غزلیات با ۹۲ مورد تضاد روبرو هستیم. مانند نمونه‌های زیر:

از هر چه گمان برد دلم یار نه آن بود      پندار بُد آن عشق و یقین جمله گمان بود  
(۱۲۷)

کفر و دین (۱۶۸)؛ تلخ و شیرین (۳۳۶)؛ آشنا و بیگانه (۳۶۱)؛ وفا و جفا (۳۸). یکی از نکات مهم در شعر سنایی، استفاده گسترده‌ی وی از واژگانی است که باهم در تقابل و تضادند که سنایی به شکلی گسترده از آنها بهره برده است و این صنعت را در جهت زیبایی‌شناسی سخن خود به کار برده و تأثیری شگرف بر مخاطب نهاده است.

#### ۲-۵-۶- مراعات‌النظیر

رادویانی در تعریف مراعات‌النظیر می‌گوید: «چون گوینده جمع کند سخن اندر میان چیزهایی که نظایر یکدیگر باشند به معنی، چون ماه و آفتاب، و دریا و کشتی، و آنچه بدین ماند، آن سخن را مراعات‌النظیر خوانند.» (۱۳۶۲: ۷۵). تناسب میان اجزای کلام از شروط مهم در یک اثر ادبی است. شاعر با تصویر آفرینی بین این تناسبات بر زیبایی و غنای اشعار می‌افزاید. سنایی به این مسأله کاملاً واقف است. او با تخیل شاعرانه خود واژگانی را برگزید که تصویرآفرین و انگیزاننده هستند. مراعات‌النظیر با ۱۲۲ مورد از آرایه‌های پرکاربرد در مطلع غزل‌های سنایی است و تناسب زیبایی میان اجزای کلام ایجاد نموده است. هم‌چون اسب، زین، راه (۱۳۲) سر، دل، زلف (۳۵۴) ساقی، می، جام (۳۹۳) لاله، کلاله، برگ، گل (۳۵۷).

#### ۲-۵-۷- تلمیح

تلمیح از ریشه‌ی لمح به معنای «جستن برق» و لمحّه به معنای «یک نظر» است. غالباً با

## ۱۱۶ بررسی آرایه‌های بدیعی در مطلع غزلیات سنایی

اشاره به تعبیر «از گوشه چشم نگریستن» معنای قاموسی واژه را به مفهوم اصطلاحی‌اش پیوند می‌دهند. شمس قیس دقیقاً از همین رهگذر تلمیح را دلالت الفاظ اندک بر معانی بسیار تعریف می‌کند. (رازی، ۱۳۶۰: ۳۷۷). در مطلع غزل‌های سنایی ۱۸ تلمیح به کار رفته است. وی از انواع تلمیحات تاریخی، اسطوره‌ای، دینی، داستانی و ... برای زیباسازی اشعارش سود جسته است که غلبه با تلمیحات دینی است. نمونه‌هایی از تلمیح:

ای یوسف ایام ز عشق تو سنایی مانده یعقوب شد از درد جدایی

(۳۷۱)

مرد بی‌حاصل نباید یار با تحصیل را جان ابراهیم باید عشق اسماعیل را

(۹)

این نه زلف است آنکه او بر عارض رخشان نهاد جور ضحاک است کو بر عدل نوشروان نهاد

(۸۱)

چون تلمیح هر نوع اشاره مذهبی، اساطیری، تاریخی و ... را در بر می‌گیرد؛ بنا بر این خواننده برای فهم و درک کامل شعر و یا بیتی که در آن تلمیح به کار رفته است، باید آگاهی کاملی از کل داستان، واقعه و یا مثل، داشته باشد.

## ۸۲۵- پارادوکس

«متناقض‌نما» یا پارادوکس (Paradox) برگرفته از Paradoxum در لاتین از واژه یونانی Paradoxon مرکب از Para به معنی مقابل یا «متناقض» و doxa به معنی عقیده و نظر است (چناری، ۱۳۷۴: ۶۸). این آرایه برخلاف تضاد که بسیار دیده شده، تنها ۶ بار در مطلع غزل‌ها به کار رفته است. در نمونه زیر مفهوم پارادوکس در دو مصراع نهفته است. موی سپید داشتن به دلیل زلف‌های سیاه یار و زندگی تلخ داشتن از لب شیرین یار.

موی چون کافور دارم از سر زلفین تو زندگی تلخ دارم از لب شیرین تو

(۳۳۶)

### ۱۱۷ بررسی آرایه‌های بدیعی در مطلع غزلیات سنایی

چشم روشن بادمان کز خود رهایی یافتیم در مغاک خاک تیره روشنائی یافتیم (۲۶۰)

و نیز در بیت دوم در خاک تیره روشنائی یافتن، نوعی پارادوکس است. این صنعت بدون شک از عوامل بلاغت‌افزایی است که مایه سخن را بالا می‌برد و گیرایی آن را افزون می‌کند.

### ۹-۲-۵-۹-۲-۵-استخدام

«یکی از واژگان دو معنا دارد، به این صورت که معنی آن واژه در جمله اول با معنی آن در جمله دیگر متفاوت است (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۳: ۱۳۹). در لغت به معنی «به خدمت گماردن» و در اصطلاح علم بدیع آن است که از یک لفظ دو معنی مختلف آن را در سخن به کار گیرند، به گونه‌ای که اگر هر یک از آن دو معنی را در سخن اعتبار نکنند، در معنی آن خللی پدید آید (دانش‌نامه زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴: ج ۱ / ۳۶۲). سنایی این صنعت را ۴ بار در مطلع غزل‌های خود به کار برده است.

پای بوالقاسم ز پای بوالحکم بشناس نیک نیستی ایوب فرمان از دم کرمان مکن (۳۱۰)

چشم روشن بادمان کز خود رهایی یافتیم در مغاک خاک تیره روشنائی یافتیم (۲۶۰)

### ۱۰-۲-۵-۱۰-۲-۵-موازنه

حسینی در کتاب بدایع الصنایع در تعریف موازنه می‌گوید: «و این چنان باشد که از اول دو قرینه تا آخر، یا از اول دو مصراع تا آخر، کلماتی آورده شود که هر یک نظیر خویش را به وزن موافق باشد؛ اما به حرف روی مخالف... و باشد که موازنه در دو بیت افتد (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۲۵-۱۲۴). تصویرآفرینی‌های سنایی با استفاده از صنعت موازنه بر جذابیت غزل‌های خویش افزوده است. این آرایه ۳۴ بیت مطلع را به خود اختصاص داده است. جادوان خدمت کنند آن چشم رنگ‌آمیز را زنگیان سجده برند آن زلف جان‌آویز را

(۷)

عشق رخ تو بابت هر مختصری نیست وصل لب تو درخور هر بی‌خبری نیست

(۶۷)

#### ۵-۲-۱۱-ایهام

آوردن لفظی دارای دو معنی دور و نزدیک به طوری که شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل شود (همایی، ۱۳۶۷: ۲۶۹).

ماهرویا در جهان آوازه‌آواز تست کارهای عاشقان ناساخته از ساز تست

(۲۸)

ای صنم در دلبری هم دست و هم دستان‌تر است بر دل و جان پادشاهی هم دل و هم جان‌تر است

(۳۷)

ساز در بیت اول هم به معنی آلت موسیقی در معنی عام است و هم به معنی قصد. هم‌چنین دست و دستان در بیت دوم هم به معنی توانایی و مهارت و هم حيله و نیرنگ است. ایهام از آرایه‌هایی است که به ندرت در مطلع غزل‌ها یعنی تنها دو بار دیده شده است.

#### ۵-۲-۱۲-تنسیق الصفات

آوردن چند صفت برای یک یا چند موصوف (مجبّتی، ۱۳۸۰: ۹۰) است که سبب اطناب می‌شود.

هرکه او معشوق دارد گو چو من عیار دار خوش لب و شیرین‌زبان خوش‌عیش و خوش‌گفتار دار

(۱۴۲)

دل‌م بربود شیرینی‌نگاری سرو سیمینی شگرفی چابکی چستی وفاداری بآئینی

(۴۰۰)

این آرایه‌های ۱۹ بار به کار رفته است و معمولاً تعداد صفات در یک بیت بسیار است. مانند صفاتی که در نمونه‌های اول آورده شده است.



#### ۱۳-۲-۵- تتابع اضافات

آوردن چند اضافه پشت سر هم را، تتابع اضافات می‌گویند. این آرایه در غزلیات سنایی نه تنها جزو معایب نیست بلکه در زیباترشدن ابیات نقش بسزایی دارد. که این آرایه‌های ۶ بار در مطلع غزل‌ها دیده شده است. همانند «ماه شبِ گم‌رهان» در بیت زیر:

ماه شبِ گم‌رهان، عارض زیبای تست      سرو دل عاشقان، قامت رعناى تست

(۳۴)

#### ۱۴-۲-۵- ملمع

شعری است که یک یا چند مصراع یا بیت غیر فارسی را در آن با مصراع‌ها و بیت‌های فارسی درآمیخته باشند (آملی، ۱۳۸۰: ۷۷). واژه «لممع یا لمعه لمعه به معنی چیزی است که از دو بخش ممتاز ترکیب شده باشد» (همایی، ۱۳۶۷: ۱۴). این آرایه تنها یک بار دیده شده است:

دی ناگه از نگارم اندر رسید نامه      قالت زای فُؤادی من هجرک القیامه

(۳۵۸)

ارزش این آرایه در این است که شاعر باید هم به زبان خود مسلط باشد، به زبان دیگر و به وزن و عروض آن هم آگاه باشد که این کاری بسیار دشوار است.

#### ۱۵-۲-۵- ترصیع

«متکلم در سیاق تقریر، سخن را قرینه قرینه گرداند و در ازای هر کلمه کلمه‌ای آورد که به وزن و حروف خواتیم متساوی باشد» (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۸۵).

جمالیت کرد جانما هست ما را      جلالیت کرد ماهما پست ما را

(۲)

نیست بی دیدار تو در دل شکیبایی مرا      نیست بی گفتار تو در دل توانایی مرا

(۱۳)

صنعت ترصیع تنها ۶ بیت را به خود اختصاص داده است. این آرایه موجب افزایش

## ۱۲۰ بررسی آرایه‌های بدیعی در مطلع غزلیات سنایی

موسیقی کلام می‌گردد؛ زیرا شاعر را به تلاش و می‌دارد تا کلماتی خاص با وزن و آهنگ مشخص بیابد و در کنار هم قرار دهد و همین بیانگر التزام در این صنعت است.

### ۲-۵-۱۶- طرد و عکس

همان جایجایی ارکان کلام است (محبّتی، ۱۳۸۰: ۸۰). تبدیل یا عکس عبارت است از تغییر دادن محل کلمات، یعنی آن را که در آغاز عبارتی بوده در آخر جمله دیگر بیاورند و بالعکس (رادفر، ۱۳۶۸: ۷۹۳/۲) و در واقع نوعی تکرار در واژه‌ها محسوب می‌شود. این تکرار باید چنان باشد که موجب استحکام و حسن کلام گردد، نه این که بر ضعف و سستی طبع شاعر دلالت کند. طرد و عکس صنعتی کم کاربرد در غزلیات سنایی است که فقط ۳ بیت مطلع را در بر می‌گیرد.

بر مه از عنبر همی معشوق من چنبر کند      هیچ کس دیدی که بر مه چنبر از عنبر کند

(۱۱۷)

خنده گریند همی لاف زبان بر در تو      گریه خندند همی سوختگان در بر تو

(۳۳۱)

### ۲-۵-۱۷- اقتباس

آن است که کلام یا بیت متضمن آیه یا حدیثی باشد و گوینده و شاعر به این نکته اشاره نکند که از قرآن گرفته شده یا حدیث. هم‌چون *أَلصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ* در بیت زیر. این صنعت تنها یکبار به کار رفته است.

ای کوکب عالی درج، وصلت حرامست و حرج      ای رکن طاعت هم‌چو حج، الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ

(۷۵)

### ۲-۵-۱۸- رَدُّ الصَّدْرِ عَلَى الْعَجْزِ

«چون کلمه‌ای که در آخر بیت آمده است، در اول بیت بعد تکرار شده باشد، آن را صنعت رَدُّ الصَّدْرِ عَلَى الْعَجْزِ می‌گویند.» (همایی، ۱۳۶۳: ۷۰). این صنعت ۱۱ بیت از مطلع غزلیات را

## ۱۲۱ بررسی آرایه‌های بدیعی در مطلع غزلیات سنایی

به خود اختصاص داده است.

ای بی وفا ای پاسبان آشوب کم کن یک زمان      چندین چرا داری فغان ای بی وفا ای پاسبان  
(۲۷۵)

ای سنگدل ای پاسبان کمتر کن این بانگ و فغان      تا خواب مانم یک زمان ای سنگدل ای پاسبان  
(۲۷۶)

### ۱۹۲-۵-۱- سیاقه الاعداد

اعداد یا سیاقه الاعداد «آن است که چند چیز مفرد متوالی ذکر کنند و بعد از آن یک فعل برای همه بیاورند» (همایی، ۱۳۶۷: ۲۹۱).

ما عاشق روی آن نگاریم      زان خسسته و زار و دلفکـاریم  
(۲۶۶)

ما را مدار خوار که ما عاشقیم و زار      بیمار و دلفکار و جدا مانده از نگار  
(۱۴۵)

در ۶ بیت مطلع غزلیات سنایی صنعت سیاقه الاعداد به کار رفته است.

### ۲۰-۲-۵- اغراق

در اصطلاح وصف یا مدح یا ذم چیزی زیادت از حد معمول به گونه‌ای است که با عقل جور در نیاید و ممکن نباشد (داد، ۱۳۷۱: ۳۱). اغراق از جمله صنعت‌های بدیعی است که شاعر در سطحی محدود یعنی تنها دو مورد زیر، از آن استفاده کرده است.

جادوان از چشم مستت هر زمان افسون برند      رومیان از بند زلفت بند دیگرگون برند  
(۱۱۵)

باد عنبر برد خاک کوی تو      آب آتش ریخت رنگ روی تو  
(۳۴۳)

## ۱۲۲ بررسی آرایه‌های بدیعی در مطلع غزلیات سنایی

۲-۲۱-اعنات (لزوم مالا یلزم)

در بیت زیر (۱) تأسیس و (ر) دخیل است. در آوردن حرف تأسیس و همسان بودن حرف دخیل اعنات صورت گرفته است. این مورد ۶ بار مشاهده شده است.

آن را که خدای از قلم لطف نگارد شاید که بر او زحمت مشاطه نیارد

(۸۸)

## ۲-۲۲-مبالغه

مبالغه در لغت به معنی کوشش بسیار و زیاده‌روی در کار و در اصطلاح علم بدیع تجاوز از واقعیت است، به طوری که شاعر یا نویسنده، کسی یا چیزی را در لفظ و معنا چنان وصف کند که صفات منسوب بدان از قدر متعارف درگذرد یا فروتر از قدر متعارف جلوه کند. به عبارت دیگر، مبالغه توصیفی است که در آن افراط یا تفریط توأم با تأکید باشد (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۱۳). بسامد این آرایه یک مورد است.

ماهی که ز رخسارش فتنه است به چین اندر وز طره طرارش رخنه است به دین اندر

(۱۵۶)

مبالغه نوعی تجاوز از واقعیت است که ممکن است به صورت بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی جلوه کند. این آرایه برای آرایش کلام و جلب توجه خواننده به کار می‌رود و بیان‌کننده شور و هیجان شاعر یا نویسنده است.

### جدول (۳) انواع آرایه‌های معنوی در مطلع غزلیات سنایی

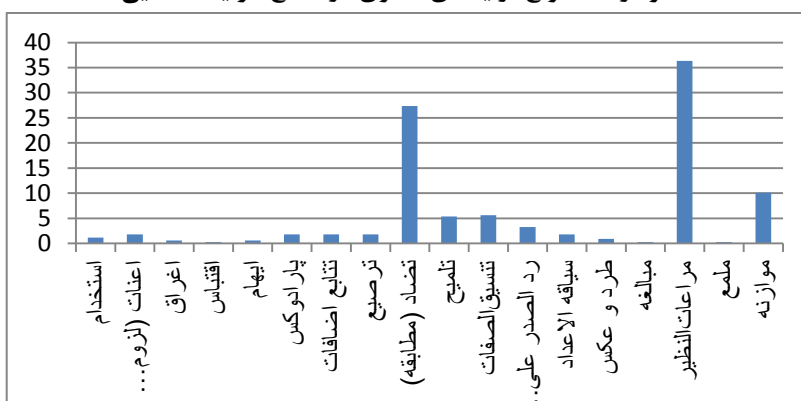
ردیف	انواع جناس	بسامد	درصد	ردیف	انواع جناس	بسامد	درصد
۱	استخدام	۴	۱/۱۹	۱۱	تنسیق الصفات	۱۹	۵/۶۵
۲	اعنات (لزوم مالا یلزم)	۶	۱/۷۸	۱۲	رد الصدر علی العجز	۱۱	۳/۲۷
۳	اغراق	۲	۰/۶	۱۳	سیاقه الاعداد	۶	۱/۷۸
۴	اقتباس	۱	۰/۲۹	۱۴	طرد و عکس	۳	۰/۸۹
۵	ایهام	۲	۰/۵۹	۱۵	مبالغه	۱	۰/۳

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۳۹ ❖ بهار ۱۳۹۸

بررسی آرایه‌های بدیعی در مطلع غزلیات سنایی ❏ ۱۲۳

۳۶/۳۱	۱۲۲	مراعات النظیر	۱۶	۱/۷۸	۶	پارادوکس	۶
۰/۳	۱	ملمع	۱۷	۱/۷۸	۶	تتابع اضافات	۷
۱۰/۱۱	۳۴	موازنه	۱۸	۱/۷۸	۶	ترصیع	۸
۰/۱۰۰	۳۳۶	جمع کل	۱۹	۲۷/۳۸	۹۲	تضاد (مطابقه)	۹
				۵/۳۵	۱۸	تلمیح	۱۰

نمودار (۳) انواع آرایه‌های معنوی در مطلع غزلیات سنایی

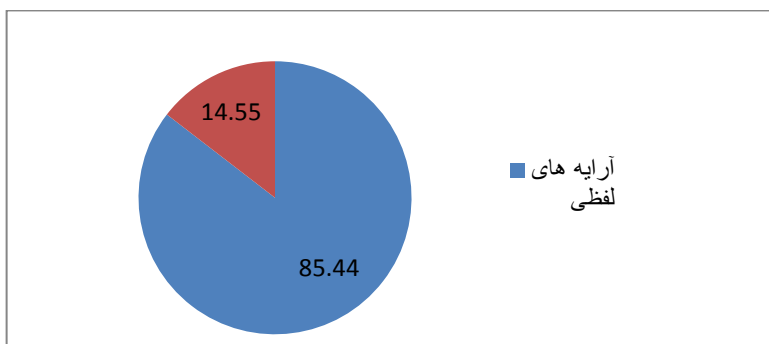


جدول (۴) انواع آرایه‌های بدیعی در مطلع غزلیات سنایی

درصد	بسامد	انواع آرایه‌های بدیعی	ردیف
۸۵/۴۴	۱۹۷۲	آرایه‌های لفظی	۱
۱۴/۵۵	۳۳۶	آرایه‌های معنوی	۲
۰/۱۰۰	۲۳۰۸	جمع کل	۳

نمودار (۴) انواع آرایه‌های بدیعی در مطلع غزلیات سنایی

۱۲۴ بررسی آرایه‌های بدیعی در مطلع غزلیات سنایی



### نتیجه

در این پژوهش آرایه‌های بدیعی در مطلع غزلیات سنایی مورد توجه قرار گرفت و تلاش شد که این آرایه‌ها در دو سطح لفظی و معنوی بررسی شوند. حاصل این بررسی به شرح زیر است:

- آرایه های لفظی به کار رفته در مطلع غزل‌ها جناس (۲۰/۳۳) درصد و تکرار (۷۹/۶۶) درصد هستند که تکرار بسامد بالاتری دارد.

- انواع آرایه‌های معنوی به کار رفته در مطلع غزل‌های سنایی ۱۸ نوع است که در این میان مراعات‌النظیر (۳۶/۳۱) درصد، تضاد (۲۷/۳۸) درصد و موازنه (۱۰/۱۱) درصد، به ترتیب بالاترین بسامد را دارند.

- به طور کلی ۲۳۰۸ مورد آرایه بدیعی در مطلع غزلیات سنایی یافت شد که از این میان (۸۵/۴۴) درصد به صنایع لفظی و (۱۴/۵۵) درصد به آرایه‌های معنوی اختصاص یافته است؛ با توجه به این نکته می‌توان گفت سنایی از آرایه‌های لفظی بیشتر از آرایه‌های معنوی در آهنگین‌تر نمودن اشعار و تأثیر بیشتر آن بر خواننده سود جست است.

- آرایه‌های ادبی در غزلیات سنایی از چنان جایگاهی برخوردار است که بدون کاربرد آن‌ها زیبایی شعر و نفوذ کلام او از بین رفته و شعر به بیان معمولی تنزل پیدا می‌کند. این شاعر توانمند با بهره‌گیری مناسب و بجا از آرایه‌های لفظی و معنوی، توانسته است احساسات و عواطف مخاطب را برانگیزد.

## منابع و مأخذ

- ۱- آملی، شمس‌الدین محمدبن محمود. *نفائس الفنون فی عرایس العیون*. گردآوری بهروز ثروتیان، تهران: فردوسی، ۱۳۸۰.
- ۲- ایران‌زاده، نعمت‌الله «نظری به تدوین دانش بدیع در ادب فارسی»، فصلنامه متن‌پژوهی ادبی دانشگاه علامه طباطبایی، دوره ۲، شماره ۶، زمستان، ۱۰۳-۱۲۲، ۱۳۷۷.
- ۳- تاج‌بخش، اسماعیل و احسان سعیدی‌نیا، «جناس در غزل شهریار»، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال ششم، شماره اول، بهار، شماره پیاپی ۱۹، ۹۳ - ۱۰۸، ۱۳۹۲.
- ۴- تجلیل، جلیل. *جناس در پهنه ادب فارسی*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
- ۵- تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر. *کتاب المطول فی شرح التلخیص*. قم: چاپ افست، ۱۴۰۷ق.
- ۶- جرجانی، عبدالقاهر. *اسرار البلاغه*. ترجمه جلیل تجلیل، تهران: وزارت معارف، ۱۳۶۱.
- ۷- چناری، عبدالامیر، «متناقض‌نمایی در ادبیات فارسی»، مجله کیان، سال پنجم، شماره ۲۷، مهر و آبان، صص ۶۸-۷۱.
- ۸- حسینی، امیر برهان‌الدین عطاءالله محمود، *بدایع الصنایع*. مقدمه و تصحیح رحیم مسلمانیان قبادیانی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۴.
- ۹- داد، سیمنا. *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: مروارید، ۱۳۷۱.
- ۱۰- *دانش‌نامه زبان و ادب فارسی*. زیر نظر اسماعیل سعادت، جلد اول، تهران: سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴.
- ۱۱- رادفر، ابوالقاسم. *فرهنگ بلاغی و ادبی*. تهران: اطلاعات، ۱۳۶۸.
- ۱۲- رادویانی، محمدبن عمر. *ترجمان البلاغه*. تصحیح و اهتمام احمد آتش، تهران: اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
- ۱۳- رازی، شمس‌الدین محمدبن قیس. *المعجم فی معاییر اشعار العجم*. تصحیح علامه قزوینی، تهران: زوار، ۱۳۶۰.



بررسی آرایه‌های بدیعی در مطلع غزلیات سنایی ❏ ۱۲۷

- ۱۴- شمیسا، سیروس. آشنایی با عروض و قافیه. تهران: میترا، چاپ نخست از ویرایش چهارم، ۱۳۸۳.
- ۱۵- عتیق، عبدالعزیز. علم‌البديع. بیروت، ۱۹۷۴م.
- ۱۶- کاردگر، یحیی، «نگاهی به طبقه‌بندی صنایع بدیعی همراه با نقد و تحلیل صنایع لفظی»، دو فصلنامه علوم ادبی، بهار، شماره ۳، ۱۴۵ تا ۱۷۸، ۱۹۷۴م.
- ۱۷- کاشفی سبزواری، حسین واعظ، «بدایع‌الافکار فی صنایع‌الاشعار»، ویراسته و گزارده میر جلال‌الدین کزازی، تهران: مرکز، ۱۹۷۴م.
- ۱۸- کزازی، میرجلال‌الدین. زیبایی‌شناسی سخن پارسی (بدیعی). تهران: مرکز، ۱۳۷۳.
- ۱۹- گرکانی، حاج محمدحسین شمس‌العلماء. ابداع‌البديع. به اهتمام حسین جعفری با مقدمه جلیل تجلیل، تبریز: احرار، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۲۰- محبتی، مهدی. بدیعی نو (هنر ساخت و آرایش سخن). تهران: سخن، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۲۱- محبتی، مهدی. بدیعی نو. تهران: سخن، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۲۲- مدنی، علی خان بن احمد. انوار الریبع فی انواع البديع. تهران: چاپ سنگی، ۱۳۰۴ش.
- ۲۳- مهدوی دامغانی، احمد. دانش‌نامه جهان اسلام، مدخل بلاغت، زیرنظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، جلد سوم، ۱۳۹۳.
- ۲۴- همایی، جلال‌الدین. فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: هما، ۱۳۶۷.
- ۲۵- وحیدیان کامیار، تقی. بدیعی از دیدگاه زیبایی‌شناسی. تهران: سمت، ۱۳۸۳.